

بررسی و تحلیل سیاست خارجی ایران و هند تا سال ۱۳۹۲

(قبل از توافقات هسته ای ایران)

دکتر مهدی شاهین*

چکیده

هدف این مقاله نگاهی به سیاست خارجی ج.ا.ا و هند با تاکید بر تحلیل و بررسی حوزه های تعامل و تقابل دو کشور تا قبل از توافقات هسته ای می باشد. در واقع از همین مطالعات تطبیقی است که میتوان به برخی مسائل و مشکلات و بن بستهای حقوقی و سیاسی راهی یافت، زیرا مطالعه تطبیقی سبب بهره مندی پژوهشگران از تجارب، آزمون و خطای ملل مختلف میشود. تحولات اخیر منطقه خصوصا موج بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال افریقا از یک سو و تقابل دیرینه ایران و آمریکا، نگاه ایران به جنوب شرق آسیا، نفوذ عمیق آمریکا و اسرائیل در منطقه به ویژه در شبه قاره هند و نوع بازی ایران و هند در حوزه های همکاری یا رقابت، عرصه های همگرایی و واگرایی متنوعی را برای این تعاملات موضوع ضرورت این تحقیق را فراهم ساخته است. از این رو سوال اصلی این تحقیق عبارت است از جایگاه ایران در سیاست خارجی نوین هند چگونه است و آینده این روابط چه زمینه های همگرایی و همکاری را سبب می شود. اگر ایران و هند بتوانند همزمان با تداوم رشد، ثبات خود را حفظ کنند، این رشد برای دهه ها قابلیت خواهد داشت. ادامه این روند در عین ثبات بخشی، تغییر توزیع قدرت و چینش بازیگران در عرصه سیاست بین الملل را به دنبال خواهد داشت و هند را به قدرتی بزرگ در عرصه نظام بین الملل تبدیل خواهد کرد بدین ترتیب در تعریف یا تغییر مؤلفه های نظام بین المللی نقش بسیار مهمتری را بر عهده گیرد. در این تحقیق از منابع معتبر استفاده شده است.

کلید واژه ها: جمهوری اسلامی ایران، هند، سیاست خارجی، تعامل، تقابل.

*Email:shahin@lu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۵

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۹

۱- مقدمه

زمینه پژوهش: هدف این نوشتار بررسی و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند در حوزه های تعامل و تقابل می باشد. ابتدا توضیحاتی در خصوص حقوق اساسی هند بیان خواهیم نمود و سپس وارد نظام قانونگذاری این کشور می شویم. حکومت هند را بزرگترین دموکراسی جهان می نامند. استقلال هند که در آن هنگام پاکستان، بنگلادش و نپال را هم در بر می گرفت، در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ اعلام شد و جواهر لعل نهرو که «پاندیت» نامیده می شد (سریع القلم، ۱۳۹۰: ۲۳) به عنوان اولین نخست وزیر هند انتخاب شد. قانون اساسی هند در سال ۱۹۴۹ به تصویب رسید و از ژانویه ۱۹۵۰ به اجرا درآمد که از آن هنگام تاکنون بدون تغییرات اساسی، اجرا شده است و این قانون به دولت های ایالتی اختیارات گسترده ای اعطا کرده است. در نظام سیاسی هند، نخست وزیر بالاترین مقام اجرایی کشور است و رئیس جمهور مقامی تشریفاتی که معمولاً از میان چهره های دارای محبوبیت گسترده در سراسر کشور انتخاب می شود.

طرح اهداف تحقیق: سیاست خارجی کشورها تنها زمانی دستخوش تغییرات بنیادین می شود که در داخل یا خارج کشور تغییرات اساسی رخ داده باشد. زوال نظام سیاسی - اقتصادی سنتی هند و اتمام جنگ سرد، ملاک های پیشین را برای هدایت سیاست خارجی ناکارآمد ساخت. در همین راستا، بسیاری از نخبگان در مورد تغییر کلی سیاست خارجی و ضرورت تدوین نوع جدیدی از آن به اتفاق نظر رسیدند. فروپاشی اتحاد شوروی و موج جدید جهانی شدن اقتصاد، هند را به سمت کشف راه های جدید برای برقراری روابط خارجی سوق داد. از دهه ۱۹۹۰ رهبران هند، برای تدوین سیاست خارجی متناسب با اندیشه های نهرو (سیاست خارجی مستقل، انسجام جهان سوم و گرایش به غیر متعهدها) دچار مشکلات عدیده ای شدند.

پیشینه تحقیق: ایران با واقع شدن در مرکز بیضی استراتژیک انرژی و داشتن منابع نفت خام و گاز طبیعی جهان، از جایگاه مهمی در حوزه امنیت انرژی در سطح بین المللی و منطقه ای برخوردار بوده و برای تامین منافع ملی و استفاده از این قابلیت، نیازمند داشتن شرکای استراتژیک انرژی می باشد. از سویی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دفاع از ارزش های دینی، نفی سلطه و سلطه پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و اولویت رابطه با کشورهای همسایه و جهان سوم خلاصه می شود که با توجه به این موضوع کشور هندوستان جایگاه ویژه ای در روابط با ایران دارد. انرژی هسته ای همچون شمشیر دولبه داری دو مصرف

کاملاً متضاد است. از طرفی موجب آبادانی و توسعه یک کشور خواهد شد و از سوی دیگر به مثا به یک ابزار جنگی مورد استفاده واقع شود که این امر موجب نگرانی‌های بین‌المللی نسبت به استفاده از آن شده است. از جمله دولت‌های دارای این قابلیت می‌توان به هندوستان و پاکستان اشاره کرد. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای می‌تواند در زمینه‌های همگرایی و همکاری در تبادلات انرژی و نقش‌آفرینی در ثبات منطقه ایفا‌ی نقش نمایند. از این منظر نقطه قوت پژوهش حاضر توجه به مقوله همکاری و همگرایی در سیاست خارجی هند و ایران است که در سایر آثار نوشته شده است. در این زمینه که عمدتاً رساله‌های دانشگاهی مقطع کارشناسی ارشد و یا منابع ژورنالیستی می‌باشد، توجهی به این مفهوم پردازی نشده است. بنابراین این مقاله اولین پژوهش در این راستا می‌باشد.

۲- مطالعه تطبیقی سیاست خارجی ایران و هند

۲-۱ بحث

دو کشور ایران و هند دارای روابط تاریخی و دیرینه بوده‌اند. ایران تا سال ۱۹۴۷ میلادی با هند همسایه بوده و پس از آنکه شبه قاره هند تجزیه شد، پاکستان بعنوان کشور حائل میان ایران و هند قرار گرفت. از آن زمان تاکنون علاوه بر شکل‌گیری نوعی حائل جغرافیایی میان ایران و هندوستان، در بسیاری از عرصه‌ها، مسائل و موضوعات منطقه‌ای، پاکستان به عنوان یک متغیر میانجی در روابط جمهوری اسلامی ایران و هند عمل می‌کند.

۲-۲ تحلیل

در بررسی تعاملات خارجی کشور هند می‌توان سیاست خارجی آن کشور را به سه مقطع متفاوت تقسیم کرد: ۱) مقطع طولانی که از استقلال هند در سال ۱۹۴۷ آغاز، و تا سال ۱۹۹۰ که مصادف با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است، ادامه پیدا می‌کند. سیاستی که در این دوره شاخص اصلی سیاست خارجی هند شامل عدم اتحاد با قدرت‌های بزرگ و ائتلاف با کشورهای جهان سوم شناخته شده و نخبگان و مقامات هندی تلاش می‌کردند تا به عنوان یک عنصر میانجی، میان قدرت‌های بزرگ و تقویت نهادهای بین‌المللی، در جهت منافع ملی هند موضع‌گیری کنند. (Huntington, 2013, p.7). ارزیابی کیسینجر از سیاست خارجی هند در دوران جنگ سرد گویای این نکته است که در بخش اعظم دوران جنگ سرد، هند در مقابل سیاست‌های آمریکا در آسیا تنها نقش تماشاگر را ایفا کرد (کیسینجر، ۱۳۹۱: ۲۶).

۲) در راستای این سیاست و دومین رویکردی که بر سیاست خارجی هند حاکم شد، تفکر نئولیبرالیسم بود که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ به سیاست خارجی هند ورود پیدا کرد و اصلاحات اقتصادی و جریان های قدرت در هند در حال متحول شدن بودند؛ به عبارتی قدرت از انحصار حزب کنگره خارج شد و بر اساس سیاست نئولیبرالیسم که اقتصاد محور تاکید قرار گرفت (احمدی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

۳) از ۲۰۰۱ که حزب "بهاریتا جاناتا" قدرت را در دست گرفت و تاثیر زیادی در سیاست خارجی هند گذاشت که مهمترین ویژگی این دوره، تاکید بر استراتژی امنیت محور و توجه به قدرت نظامی بوده است. در این مقطع هند تلاش نمود با قدرتهای بزرگ وارد تعامل، تا جایی که بتواند در امور بین المللی ایفای نقش نماید (همان: ۱۶۱)

۳-۲- استراتژی نوین سیاست خارجی هند

سران هند هرگز از دکتترین سیاست خارجی سخنی به میان نیاوردند؛ با وجود این، برای ارتقای موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی هند و افزایش قدرت آن به شدت تلاش کرده‌اند. هند اقدامات هماهنگی را به منظور شکل‌دهی به محیط فوری امنیتی خود انجام داده است که از مهمترین آنها می‌توان به جستجوی راه‌حل همزیستی مسالمت‌آمیز با چین و پاکستان (به عنوان دو رقیب منطقه‌ای) و توجه ویژه به "خارج نزدیک" خود که قسمت‌هایی از آفریقا، خلیج فارس، جنوب شرق و مرکز آسیا و نیز اقیانوس هند را در برمی‌گیرد، اشاره کرد؛ در عین حال این کشور روابط خود با قدرت‌های بزرگ موجود به ویژه با ایالات متحده را گسترش داده است. هند در وضعیتی قدم به عرصه جهانی می‌گذارد که به عنوان اولین دموکراسی بزرگ با اقتصادی قدرتمند، فرهنگی چند گانه و از نظر مذهبی متنوعتر، در خارج از جغرافیای غرب واقع شده است. اگر هند بتواند رشد خود را تداوم بخشد، قادر خواهد بود به عنوان عضوی مهم در "غرب سیاسی" محسوب شود و نقشی کلیدی در تعاملات سیاسی در دهه‌های آینده ایفا کند. (توحیدی، ۱۳۸۶: ۳)

استراتژی کلان هند، جهان را به سه دایره متحد‌المركز تقسیم می‌کند. اولین دایره، همسایگان نزدیک هند را در بر می‌گیرد. در محیط این دایره، هند در پی کسب موقعیت هژمونی است تا به واسطه آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه مقابله کند (هژمون منطقه‌ای). (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۲) دایره دوم، منطقه وسیع تری از همسایگان هند را در برمی‌گیرد که محیط آن را آسیا و حاشیه اقیانوس هند تشکیل می‌دهد. در این محیط، هند در پی ایجاد موازنه در مقابل سایر قدرت‌ها و ممانعت از تضييع منافع خویش توسط آنها می‌باشد. در دایره سوم که در واقع کل جهان را در

برمی‌گیرد، تلاش هند در جهت کسب جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش کلیدی در صلح و امنیت بین‌المللی است.

سه معضل تاریخی کشور هند را در رسیدن به اهداف استراتژیک و بنیادین دچار مشکل ساخته است:

۱- تقسیم‌بندی شبه قاره جنوب آسیا بر اساس مذهب (شبه قاره ابتدا در سال ۱۹۴۷ به هند و پاکستان و سپس در سال ۱۹۷۱ به هند، پاکستان و بنگلادش تقسیم شد). این امر از یک سو کشور را با گسستگی داخلی بین هندوها و جمعیت عظیم مسلمانان (حدود ۱۵۰ میلیون نفر) مواجه ساخته است و از سوی دیگر به اختلافات طولانی مدت بین هند و پاکستان منجر شده است. این تقسیم‌بندی به طور فیزیکی هند را از کشورهایی که با آنها پیوند تاریخی دارد، همانند افغانستان، ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا، جدا کرده است چنین تنش‌هایی به همراه تشکیل یک دولت اسلامی در پاکستان و رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای، دستگاه سیاست‌گذاری هند را در پیگیر اهداف خود در هر سه حوزه با محدودیت مواجه ساخته است.

۲- سیستم سوسیالیستی حاکم بر هند: این سیستم به اضمحلال اقتصادی و محدود ساختن قدرت تأثیرگذاری کشور در سال‌های پس از استقلال هند منجر شد. الگوی سوسیالیستی دولت مانع برقراری اتصالات جدی هند با جهان خارج می‌شد؛ در نتیجه دست هند از بازارهای ایده‌آل حوزه تمدنی خود کوتاه ماند.

۳- جنگ سرد: شرایط حاکم بر جنگ سرد هند را به سمت استقلال و عدم تعهد و در مراحل بعد به دلیل حمایت آمریکا از پاکستان و چین، به سمت خرید تسلیحات اتحاد شوروی و بالمآل، ایفای نقش مؤتلف غیر رسمی این قدرت سوق داد. نهایت آنکه با فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، هند علی‌رغم داشتن امکانات بالقوه زیادی همانند داشتن بزرگترین دموکراسی جهان، در بازی بزرگ نیمه دوم قرن بیستم بازنده شد. (شیهان، ۱۳۹۰: ۷۸-۸۰)

در آخرین دهه قرن بیستم، با محو حداقل دو مانع از موانع سه‌گانه (اتمام جنگ سرد و جایگزینی سوسیالیسم با آزادسازی اقتصادی و تسریع روند جهانی‌شدن)، به ناگهان هند از محدودیت‌های پیش‌رو رهایی یافت و قدم به دنیای جدیدی گذارد. در این راستا طراحی سیاست خارجی نوین متناسب با شرایط و نیازهای جدید، تغییر رویکرد استراتژیک نسبت به همسایگان و آغاز همکاری نزدیک با قدرت‌های بزرگ موجود جهانی ضرورت و اهمیت یافت.

۴-۲- اتخاذ رویکردهای جدید اقتصادی و محوری ساختن آن در تدوین سیاست خارجی

هند با درک صحیح از شرایط نوین جهانی و عوامل باز دارنده رشد اقتصادی خود در مقایسه با سایر کشورهای آسیایی همچون چین در پی اتخاذ سیاست‌های نوین و کارآمد در این زمینه برآمد. (هند در سال ۱۹۶۰، از تولید ناخالص داخلی بیشتری نسبت به چین و هم‌تراز با کره جنوبی برخوردار بود، اما در حال حاضر تولید ناخالص داخلی چین، بیش از دو برابر هند است).

(لینکلتر، ۱۳۹۴: ۸۹) در واقع، هند با کنار نهادن رویکردهای سوسیالیستی، فشار ناشی از رقابت با اقتصادهای در حال ظهور، به منظور کسب بازارهای مختلف و مطمئن را حس کرد. این امر سبب ورود دیپلماسی هند به حوزه‌هایی شد که تا پیش از آن برایش ناشناخته بود. همچنین روابط هند با قدرت‌های بزرگ، رقبای منطقه‌ای آن (پاکستان و چین) و همه همسایگانش دستخوش تغییرات اساسی شد. در وضعیت فعلی یکی از اولویت‌های اساسی سیاست خارجی هند، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جستجو برای بازار در سراسر نقاط دنیاست. هند موفقیت‌هایی نیز در این زمینه‌ها به دست آورده است. به طوری که این کشور بیشترین سهم را از سرمایه‌گذاری در آسیای جنوبی در سال ۲۰۰۵ که شامل رقمی معادل ۲۳/۶ میلیارد دلار می‌شد، به خود اختصاص داد. (فالتز گراف، ۱۳۹۰: ۶۸-۷۰) همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۴۰، هند به بزرگترین اقتصاد جهان سوم تبدیل و همچنین تا سال ۲۰۵۰، اقتصاد آن برابر با اقتصاد ژاپن، و میزان در آمد سرانه آن به ۳۵ برابر سطح کنونی خواهد رسید (Deutsche Bank، ۲۰۰۶). بخش بزرگی از موفقیت‌های هند به دلیل سهم بیشتر بخش خصوصی آن به دست آمده است. تقویت بخش خصوصی از طریق تنظیم مناسب بازار سهام و سیستم مالی صورت گرفته است. شرکت‌های بخش خصوصی هند در اوج شکوفایی خود قرار دارند و رشد سالانه آنها بین ۱۵ تا ۲۵ درصد می‌باشد. برای مثال، در سال گذشته، درآمد شرکت بزرگ تاتا (TATA) که عمده فعالیت آن در حوزه نرم‌افزارهای کامپیوتری، خودرو سازی، مواد غذایی و..... است، از ۱۷ میلیارد به ۲۴ میلیارد دلار رسید. به علاوه، هند از شرکت‌های بسیار کارآمد در زمینه بهره‌برداری از سرمایه، مدیریت و استانداردهای جهانی و شرکت‌های متعدد در رده جهانی، مانند Reliance, Ranbaxy, Infosys برخوردار است. این شرکت‌ها با تکیه بر سیستم مالی و ساختارهای بسیار قوی خود، شایستگی‌های زیادی را کسب نموده‌اند. برای مثال، هند طی چهار سال اخیر، اکثر جوایز Coveted Deming را که ژاپن هر ساله به منظور نوآوری‌های مدیریتی اهدا می‌کند، به خود اختصاص داده است. به علاوه، بخش

صنعت ارتباطات، از رشد شگفت‌انگیزی برخوردار شده است که حاصل برنامه‌ریزی‌های هوشمند و هدفمند دولت می‌باشد. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۲۹)

۵-۲- تغییر ذ‌هنیت "ضد غربی" سیاستمداران هندی در جهت‌دهی به سیاست خارجی کشور

تأیید از این، در دهه ۱۹۷۰، سیاست‌گذاران هندی علت تمام مشکلات و مصائب کشور را در دست‌ان پنهان سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) و دخالت آمریکا در امور داخلی‌شان جستجو می‌کردند، اما این تفکر در بین عموم مردم نیز از بین رفته است، به طوری که براساس تحقیقات به عمل آمده، هندی‌ها دومین کشور علاقمند به آمریکا با سهم ۷۱ درصدی و در مقام دوم بعد از خود مردم آمریکا (با میزان ۸۳٪) قرار دارند. امروزه، دومین دموکراسی بزرگ دنیا، از بیشترین میزان تطابق و سازگاری با ارزش‌های سیاسی غرب در جهان خارج از اروپا - آتلانتیک برخوردار می‌باشد. (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۷۷) در مورد تغییر جهت آشکار از سیاست "ضد غربی"، میان گروه‌های شکل‌دهنده به سیاست خارجی اجماع وجود دارد و این رویکرد از حمایت گروه‌های چپ و راست و نیز ساختار امنیتی کشور برخوردار می‌باشد.

۶-۲- اتخاذ مشی عمل‌گرایانه

از دهه ۱۹۹۰، هند با درک این موضوع که تداوم سیاست‌های ایدئولوژیک، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصاد کشور و در نهایت جایگاه بین‌المللی آن وارد کرده است، به سمت اتخاذ رویکردهای عمل‌گرایانه روی آورده است.

هند پس از استقلال، همواره سودای برتری را در سر می‌پروراند و این آرمان را از طریق "منشور جهان سوم" و سیاست "ضدامپریالیستی" پیگیری می‌کرد. اما نتایج حاصله، نه تنها این انتظارات را برآورده نساخت؛ بلکه هند را از سایر رقبای منطقه‌ای خود عقب‌تر نگاه داشت. در واقع، طی این مدت اساساً هیچ ائتلاف واقعی جهان سومی وجود نداشت که هند به رهبری آن نائل آید. لذا از دهه ۱۹۹۰ هند، سیاست‌های رادیکال دهه ۱۹۷۰ خود را کنار گذارد و به سمت سیاست‌های پراگماتیستی و همکاری و همگرایی با بازارهای بین‌المللی پیش رفت.

۷-۲- اتخاذ رویکرد رئالیستی

آخرین تحول، تغییر رویکرد ایده‌آلیستی به رئالیستی در سیاست خارجی هند می‌باشد. به طور طبیعی، ایده‌آلیسم در اذهان نخبگان هندی که برای استقلال از بریتانیا و قطع یوغ استعماری آن جانفشانی‌های بسیاری کرده بودند، وجود داشت. آنان سیاست قدرت را میراث شوم اروپای قرن نوزدهم می‌دانستند که پاسخگوی وضعیت فعلی آنان نبود. اما از آنجایی که از اوائل دهه ۱۹۹۰، هند

دیگر قادر به تداوم مفروضات ایده‌آلیستی سیاست خارجی خود نبود، ضرورت تغییر اساسی در سیاست‌های اعلانی و پیگیری سیاست‌های رئالیستی را به وضوح درک کرد. (توحیدی، ۱۳۸۶: ۳) در وضعیت فعلی، هند به دنبال کسب نقش مؤثر و نافذ در مسائل بین‌المللی و به ویژه منطقه‌ای و طلایه‌دار حرکتی نو مرکب از اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و چندجانبه‌گرایی است و این مهم را از طریق اعمال سیاست‌های عملگراییانه و با نگاهی جدید به شرایط بین‌المللی در حال تحول، پذیرش واقعیت‌های موجود و تکیه بر تلاش برای بهبود وضعیت و وجهه بین‌المللی خود جستجو می‌کند.

۳- بررسی

در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند در حوزه‌های تعامل و تقابل چند عامل در این راستا تأثیرگذار بوده، از جمله:

۱- بعد ایدئولوژیکی و ارتباط سیاسی با جنبش عدم تعهد در سیاست خارجی جدید هند ضعیف شد.

۲- هند و اسرائیل از حرکت‌های خشونت‌آمیز بنیادگرایی اسلامی و تهدیدات امنیتی داخلی و منطقه‌ای احساس خطر می‌کردند.

۳- کاهش قیمت نفت در اوائل دهه ۱۹۹۰ و تأمین انرژی مورد نیاز از سایر بخش‌های دنیا به جز خاورمیانه، از وابستگی هند به این منطقه و کشورهای اسلامی کاست.

۴- سیاست اقتصادی هند تغییر جهت یافت و مسیر آزادسازی اقتصاد و گشایش بازارها و جستجوی بازارهای بیشتر در سایر نقاط دنیا در پیش گرفته شد (Blechman, 2000, P.50)

بنابراین، بیشتر موانع برقراری روابط دیپلماتیک هند با اسرائیل تا سال ۱۹۹۱، وجهه منطقی خویش را از دست داد و بستر همکاری دو کشور آماده شد. لذا از سال ۱۹۹۲ روابط هند و اسرائیل آغاز شد و به سرعت در همه‌زمینه‌ها رو به گسترش گذارد. بیشترین همکاری میان هند و اسرائیل در حوزه‌های دفاعی و اطلاعاتی صورت می‌پذیرد. صنایع پیشرفته نظامی اسرائیل از یک سو و بازار بزرگ هند و نقش اساسی آن در رونق اقتصادی اسرائیل، بستر مناسب همکاری دو جانبه را فراهم ساخته است. هند موافقتنامه‌های دفاعی به ارزش بیش از ۳ میلیارد دلار با اسرائیل دلار امضا کرده و یا در حال رایزنی می‌باشد. این امر سبب شده است. (کیسینجر ۱۳۹۱: ۵۴) که اسرائیل به دومین عرضه‌کننده تسلیحات به هند پس از روسیه مبدل شود.

به علاوه، دو کشور در زمینه مبارزه تروریسم با یکدیگر همکاری نزدیک دارند. اسرائیل معضل کشمیر را در همین قالب می‌نگرد و تفسیر می‌کند. در واقع، اسرائیل با نزدیکی به هند، علاوه بر

کسب منافع اقتصادی، به دنبال یافتن متحد و شریکی در شرق و در جبهه مخالفان خود و نیز سیستماتیک‌سازی روند مقابله با حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی و تضعیف دشمنان ایدئولوژیک خود در سراسر نقاط دنیا می‌باشد. برای اسرائیل که در میان کشورهای منطقه تقریباً در انزوا قرار دارد، کسب متحد قدرتمندی از شرق، بسیار حائز اهمیت می‌باشد و بخشی از منافع استراتژیک اسرائیل را تأمین می‌کند.

رشد سریع اقتصادی هند در دهه گذشته، نیاز آن به انرژی را شدیداً افزایش داده است. در حال حاضر، هند ششمین مصرف‌کننده نفت است و ۷۰٪ از نیاز خود به انرژی را از طریق واردات تأمین می‌کند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۱۰، هند پس از ایالات متحده، چین و ژاپن، به چهارمین مصرف‌کننده انرژی در جهان تبدیل شود. در واقع نیاز هند به واردات منابع انرژی به موازات رشد اقتصادی سریع آن، در حال افزایش است. (لینکلتر، ۱۳۹۴: ۹۷) عربستان سعودی به عنوان عمده‌ترین عرضه‌کننده نفت به هند، حدود ۲۵٪ کل واردات نفت هند به شمار می‌آید. که بالغ بر ۱/۹ میلیون بشکه نفت در روز است تأمین می‌کند. (همان: ۲۵۶)

نیاز رو به رشد هند به انرژی، تأثیر عمیقی برگسترش روابط آن با کشورهای خاورمیانه بر جای گذارده است. ایران یکی از منابع مهم بالقوه تأمین‌کننده انرژی هند است که البته رابطه نزدیک هند با ایالات متحده از یک سو و هدف آمریکا در منزوی سازی ایران از سوی دیگر، بر این امر تأثیر گذارده است. تحول دیگر پس از ۱۹۹۰ فروپاشی اتحاد شوروی، تمایل هند به حضور و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی است. با افزایش قدرت هند طی دو دهه اخیر، تمایل این کشور در اعمال نفوذ در مناطق مهم و استراتژیک به ویژه آسیای مرکزی افزایش یافته است. منافع مهم و اساسی هند در افغانستان در واقع به زمان پیش از استقلال افغانستان برمی‌گردد که هند به این کشور به عنوان خط مقدم امنیت خود می‌نگریست. روابط پر تنش میان افغانستان و پاکستان در دوران پس از استقلال از یک سو و نگاه هند به افغانستان به عنوان عمق استراتژیک خود از دیگر سو، گسترش رابطه هند با افغانستان را پر اهمیت ساخته است.

پس از ۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان، هند و افغانستان پیوندهای نزدیکی با یکدیگر برقرار کردند. در این مدت، هند با دقت به تمایلات دولت افغانستان پاسخ می‌دهد. اغلب پاسخ‌های ارائه شده به افغانستان، برای وارد ساختن فشار به پاکستان است که به ویژه در زمان طالبان نفوذ زیادی در افغانستان داشته است.

کشورهای آسیای مرکزی که عمدتاً در شمال و غرب افغانستان قرار گرفته‌اند و از فروپاشی شوروی سر برآورده‌اند، نیز برای تصمیم گیرندگان و استراتژیست‌های هندی جذابیت‌هایی دارند. علاوه بر این، آنها دارای منابع نفت و گاز نیز بوده که از این لحاظ جایگاه مهمی را در سیاست خارجی و امنیت انرژی هند به عنوان عرضه کنندگان انرژی در آینده خواهند یافت.

منطقه آسیای مرکزی به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر، مورد توجه قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده و چین قرار گرفت. هر کدام از این کشورها در پی کسب نفوذ در این منطقه برآمدند. رقابت قدرت‌های بزرگ در ایجاد پایگاه و جای پا برای خود، هند را نیز متوجه این منطقه کرد، به گونه‌ای که درصدد ایجاد پایگاه در این منطقه برآمد. (Blechman, 2009, p.49) تأمین انرژی و تحقق تنوع منابع انرژی و امنیت انرژی به همراه رقابت با پاکستان و افزایش تأثیرگذاری از اهداف هند در این منطقه می‌باشد.

۴- بحث و تحلیل

ایران و هند به عنوان دو کشور تأثیرگذار و قدرتمند آسیایی، دارای اشتراکات و روابط تاریخی و فرهنگی بسیاری می‌باشند که دو کشور را همواره به گسترش ارتباطات تشویق نموده است. جواهر لعل نهرو، نخست وزیر هند می‌گوید: در طول سالیان متمادی هیچ کشوری همچون ایران بر فرهنگ و مردم هند تأثیر نگذاشته است. زبان فارسی بیش از هفت قرن زبان رسمی مردم هند و دربار آن بوده است و تیندگی فرهنگی ایران و هند قابل قیاس با دیگر کشورها نیست. در این میان، بررسی روابط ایران و هند به عنوان دو کشور آسیایی و تاریخی نیازمند شناخت اهداف، منافع و رویکردهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی آنهاست. این دو کشور از گذشته‌های بسیار دور تا به امروز فرازونشیب‌های زیادی را در روابط بین خود پشت سر گذاشته‌اند. آنها از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز در بسیاری از مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای دارای دیدگاه‌های مشترک و بسیار نزدیکی هستند. کشور هند، که نیاز روزافزونش به انرژی بر کسی پوشیده نیست، برای تأمین بلندمدت انرژی خود به ایران در نقش بهترین و مهم‌ترین تأمین‌کننده انرژی می‌نگرد. ایران نیز قدرتمند شدن هند را در راستای سیاست دنیای چندقطبی و مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا می‌داند و آن را در چهارچوب منافع ملی خود ارزیابی می‌کند. هند با جمعیتی بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر و وسعت سرزمینی به اندازه بیش از دو برابر ایران با یک دهه رشد اقتصادی ۸ درصدی و عضویت در باشگاه هسته‌ای دارای توانایی بالایی در تأثیرگذاری منطقه‌ای و حتی جهانی و دارای مؤلفه‌های اصلی قدرت یعنی وسعت، جمعیت و قدرت نظامی بوده و رشد سریع اقتصادی

آن، هند را به یکی از قطب‌های اقتصادی جهان در آینده نزدیک تبدیل خواهد کرد. از این رو تقویت روابط اقتصادی ایران و هند به نفع منافع دو کشور و می‌تواند نقش مهمی در ثبات و امنیت منطقه داشته باشد. در این میان، موضوعات چالش‌برانگیزی نیز در روابط ایران و هند وجود دارد؛ موقعیت خاص ایران در صحنه بین‌المللی و رقابت استراتژیک ایران و آمریکا باعث حساسیت قدرت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا به نزدیکی روابط ایران و هند شده است. به‌طوری‌که ایالات متحده آمریکا بارها از هند خواسته است تا مناسبات خود را با ایران در حوزه‌های استراتژیک مثل انرژی و تسلیحات محدود کند. به عبارتی روابط ایران و هند در حال حاضر به شدت تحت تأثیر دو محیط قرار دارد: یکی محیط داخلی ایران و هند است که در متن این محیط دو کشور تمایل به توسعه و گسترش مناسبات دارند؛ اما محیط بیرونی هم وجود دارد به‌ویژه از ناحیه ایالات متحده آمریکا که درصدد است این روابط در حد محدود باقی بماند. (آمری راد، ۱۳۹۴: ۱۷)

۱-۴- ایران و هند؛ چهارچوبی برای درک روابط در حال توسعه

با بررسی عوامل مختلف و مؤثر بر تعیین سطح روابط سیاسی دو کشور و همچنین تاریخ روابط آنها، به تبیین چهارچوبی نظری برای روابط سیاسی در حال توسعه ایران و هند پرداخته می‌شود. در این راستا ابتدا باید با کندوکاو در نگرش‌های غالب موجود می‌کوشد به فهمی کلی از نوع نگاه کشورها به محیط بیرونی و عوامل و دلایل برقراری، حفظ و توسعه روابط سیاسی آنها با یکدیگر براساس منطق روابط خارجی پرداخت. در نگاهی کلی به نگرش‌های غالب موجود در زمینه روابط ایران و هند، توسعه روابط این دو کشور از یک سو حاصل همسویی نگرش‌های سیاسی حاکم در سطح ملی بر مبنای ریشه‌های فرهنگی و هویتی مشترک، از سوی دیگر مبتنی بر همکاری در سطح منطقه‌ای بر مبنای ملاحظات امنیتی و همچنین حاصل دستیابی به افقی مشترک در نوع نگاه به ساختار نظام بین‌الملل بر مبنای انگیزه‌های منفعتی است. در این میان با نگاهی اجمالی به پیشینه روابط دو کشور، به وضوح می‌توان دریافت که فرهنگ و هویت نقشی برجسته در روابط دو کشور تا پیش از جنگ جهانی دوم داشته است، اما از آن زمان به بعد دو عامل دیگر نیز در این زمینه نقش ایفا کرده‌اند که این دو عامل یکی ملاحظات امنیتی منطقه‌ای و دیگری ساختار نظام بین‌الملل است. در این میان ملاحظات امنیتی منطقه‌ای نقشی خنثی ایفا می‌کند اما ساختار نظام بین‌الملل، به‌ویژه در شرایط فعلی نقشی سلبی در روابط دو کشور دارد. روابط ایران و هند حتی اگر مبتنی بر وجوه مشترک فرهنگی و تمدنی و همکاری‌های منطقه‌ای هم باشد، تا مادامی که به افقی مشترک درمورد

ساختار قدرت در نظام بین‌الملل نینجامد، نمی‌تواند نویدبخش آینده‌ای مطمئن برای روابط دو کشور باشد. (خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۷)

۲-۴- روابط ایران و هند: واکاوی نگاه هندی

با استناد به آثاری که در مؤسسات تحقیقاتی معتبر هند درمورد روابط با ایران و جایگاه ایران در سیاست خارجی این کشور منتشر شده است، به بررسی طیف دیدگاه‌هایی که در کشور هند درمورد مدیریت روابط با ایران وجود دارد. به نظر می‌رسد با دقت در مکتوباتی که محققان هندی درمورد روابط این کشور با ایران در سال‌های اخیر به رشته تحریر درآورده‌اند، می‌توان دو دسته از متغیرها را در شکل‌دهی به روابط هند و ایران از منظر این پژوهشگران واجد اهمیت دانست: دسته اول متغیرها، متغیرهای توسعه‌بخش و ظرفیت‌ساز در روابط دو کشور محسوب می‌شوند و دسته دوم متغیرها را می‌توان متغیرهای محدودکننده روابط دو کشور دانست. به نظر می‌رسد جایگاه ایران در سیاست خارجی هند بیش از همه براساس نقش این کشور در تأمین امنیت انرژی، اقتصاد درحال رشد هند و در مراتب بعد گشودن راهی برای دسترسی این کشور به بازارهای آسیای مرکزی و روسیه تعریف شده است. افزون بر این نقش ایران در موازنه قدرت مطلوب هند در منطقه به‌ویژه در افغانستان نیز با اهمیت دیده شده است، اما در مقابل روابط هند و آمریکا و به تبع آن بحران هسته‌ای ایران، نقش بازیگران ثالث مثل اعضای شورای همکاری خلیج فارس و برخی تعارضات و رویکردهای متفاوت دو کشور مثل سیاست‌ها درقبال رژیم اسرائیل از جمله عوامل محدودساز روابط دو کشور محسوب می‌گردد. در این بین تسلط عمل‌گرایی در سیاست خارجی هند و نیز مکتوبات پژوهشگران هندی از دیگر سو باعث شده تا جملگی گسترش روزافزون روابط این کشور با آمریکا را رویکردی مناسب و در راستای توسعه این کشور تلقی کرده و کاهش روابط با ایران را مابه‌ازایی معقول در این روند تلقی کنند. در این میان به نظر می‌رسد وضعیت مطلوب در سیاست خارجی هند توسعه روابط با هر دو کشور ایران و آمریکا است، اما از آنجا که پیگیری چنین هدفی تعارض‌آمیز است، کاهش سطح روابط با ایران در حد امکان، بر مبنای معادله هزینه - فایده در راستای مصلحت استراتژیک هند قرار دارد. البته این بدان معنا نیست که محققین هندی از ترجیح کامل روابط با آمریکا بر روابط با ایران جانبداری می‌کنند، بلکه تأکید دارند که گسترش حداکثری روابط با آمریکا و حفظ حداقلی از روابط با ایران در شرایط کنونی گزینه ممکن سیاست خارجی هند است. (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۵)

۳-۴- هند و پرونده هسته‌ای ایران

به نظر می‌رسد یکی از مسائل مهم پیش‌روی سیاست خارجی هند پیرامون منع اشاعه هسته‌ای، نحوه برخورد این کشور با مسئله هسته‌ای ایران بوده است. از منظر نویسنده سیاست دولت هند در قبال مسئله هسته‌ای ایران بر دو اصل مشخص استوار است. اصل اول؛ تأکید بر حق قانونی ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مطابق با تعهدات و قوانین بین‌المللی و لزوم تلاش‌های گسترده دیپلماتیک جهت ایجاد اجماع بین‌المللی پیرامون این مسئله، و اصل دوم جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، اما در این بین عواملی بر واکنش هند نسبت به برنامه هسته‌ای ایران تأثیرگذار بوده است از جمله تعهدات به رژیم عدم اشاعه هسته‌ای؛ روابط هند با آمریکا؛ امنیت انرژی؛ تلاش در راستای توازن استراتژیک و روابط هند با اسرائیل. در این میان شاید مهم‌ترین دغدغه هند ایجاد توازن در روابط با ایران از یک طرف و ایالات متحده از طرف دیگر باشد. به اعتقاد نویسنده در راستای ایجاد این توازن هند می‌تواند توجهی نیز به ایجاد یک نقش میانجی‌گرایانه میان ایران و آمریکا داشته باشد. (عسگریان، ۱۳۹۲: ۷۳)

۴-۴- مناسبات هند و رژیم اسرائیل و تأثیر آن بر سیاست هند در قبال ایران

برای فهم بهتر مناسبات هند و رژیم اسرائیل و مهم‌تر از آن تأثیرگذاری سطح مناسبات دو کشور بر جهت‌گیری‌های هندوستان در قبال ایران سابقه مناسبات دو کشور هند و رژیم اسرائیل را از زمان شکل‌گیری این رژیم در طی جنگ سرد، و در دوران پس از جنگ سرد مورد توجه قرار داده و در ادامه تأثیر توسعه مناسبات هندوستان و اسرائیل بر جهت‌گیری‌های هند در قبال ایران را تشریح نمود. توسعه مناسبات سیاسی - نظامی و امنیتی هند و اسرائیل الزاماً بدین معنا نیست که مناسبات هند و جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیرات منفی قرار دهد. هندوستان از این ظرفیت ملی برخوردار است که مناسبات متوازی بین کشورهای متخاصم ایجاد نماید و تحت تأثیر و نفوذ سایر کشورها قرار نگیرد. سیاست خارجی هند را منافع ملی‌اش تعیین می‌کند و منافع ملی هند ایجاب می‌کند که در محیط داخلی با ایران مناسبات سیاسی - اقتصادی، تجاری و امنیتی برقرار کند و در محیط بین‌المللی با ایران مناسبات دوستانه داشته باشد. به نظر نویسنده هندوستان از سیاست ایدئولوژیک محور دوران جنگ سرد عبور کرده و منافع محور و امنیت محور شده است و این در حالی است که ایران ایدئولوژیک محور است و همین امر گاه درک سیاست‌های هند را دشوار و

خلاف انتظار می‌سازد و به این ذهنیت در ایران دامن می‌زند که هند در سیاست خارجی تسلیم فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد. رأی علیه ایران در ارتباط با مسئله هسته‌ای و یا بحث خط لوله صلح از جمله این موارد است. نویسنده معتقد است نگاه هند به این‌گونه موضوعات نیز تحت تأثیر منافع ملی است و نه تسلیم در مقابل فشارهای خارجی. بنابراین علی‌القاعده می‌باید مناسبات با هند جدا از مناسباتش با سایر کشورهای دوست یا دشمن مورد توجه قرار گیرد. (ملازهی، ۱۳۹۲: ۱۳۱)

۵-۴- نقش اسلام در سیاست خارجی ایران در روابط با هند

با نگاهی تاریخی و تحلیلی، به بررسی تأثیر اسلام به‌عنوان ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی ایران و به تبع آن نقش این عامل در روابط ایران با هند است. دولت ایران در دهه نخست انقلاب اسلامی براساس سیاست حمایت از مسلمانان جهان و ایجاد ارتباط با گروه‌های اسلامی توانست در میان مسلمانان هند به جایگاه مؤثری دست پیدا کند و از قدرت مسلمانان به‌عنوان اهرمی قابل اطمینان برای گسترش افکار و عقاید انقلابی خویش در محدود کردن دولت هند در گسترش روابط با رژیم اسرائیل و غرب، استفاده کند. این نفوذ اما در دهه دوم انقلاب با گسترش روابط ایران و دولت هند، کاهش پیدا کرد؛ چراکه ایران به‌جهت حفظ رابطه با دولت هند سیاست حمایتی از مسلمانان را کاهش داد و درخصوص اختلافات مسلمانان با گروه‌های تندرو هندو اعلام بی‌طرفی نمود و درخصوص سیاست‌های تبعیضانه هند نیز به سیاست عدم مداخله روی آورد. ایران هم‌اکنون با گذشت سه دهه از انقلاب که همراه با افول در روابط دو کشور ایران و هند به دلیل اعمال نفوذ ایالات متحده بر دهلی‌نو و افزایش وابستگی هند به غرب است، سعی دارد بار دیگر با احیای موقعیت خویش در میان مسلمانان هند به گسترش نفوذ خویش دست زند، اما به‌نظر می‌رسد که موفقیت اجرای سیاست بازگشت به مسلمانان هند از سوی ایران با توجه به وابستگی‌های جدید مسلمانان هند به دیگر مراکز قدرت اعم از داخلی و خارجی، چندان ممکن نباشد. به اعتقاد نویسنده رهبران روحانی مسلمانان هند به میزان قابل تأملی در تعامل و وابستگی به احزاب و مراکز قدرت داخلی، و در سیاست خارجی نیز درخصوص مسائلی همانند کشمیر تحت نفوذ پاکستان می‌باشند. در همین حال عربستان سعودی نیز توانسته است با حمایت مالی اعتماد بخشی از مسلمانان این کشور را که در موقعیت اقتصادی سختی قرار دارند، به‌دست آورد؛ لذا در این شرایط سیاست احیای موقعیت گذشته و نفوذ در میان مسلمانان که از سوی ایران دنبال می‌شود با محدودیت‌های بسیاری مواجه خواهد شد. به همین دلیل نویسنده به این جمع‌بندی می‌رسد که

اجرای سیاستی که بر اساس آن ایران بتواند بار دیگر موقعیت خویش را در میان مسلمانان هند به دست آورد و همان گونه که از انرژی برای جذب هند استفاده می کند از مخالفت مسلمانان برای فشار بر دولت هند بهره گیرد؛ بسیار زمان بر و همراه با هزینه های بسیار خواهد بود. (ظهیری نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۱)

۶-۴- عرصه های همکاری و همگرایی جمهوری اسلامی ایران و هندوستان

با توجه به قرابت های دیرینه و تاریخی، دو کشور دارای عرصه های همکاری و همگرایی متعدد و متنوعی هستند که به مهمترین آنها اشاره می شود.

۱-۶-۴-۱- نفی جهان تک قطبی: تغییر ساختار نظام بین المللی

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد و افول نظام دو قطبی و نظم جهانی حاصل از وضعیت جدید امنیت بین الملل، دو طرف زمینه های همگرایی بیشتری یافتند. دوران پس از جنگ جهانی دوم و بروز تغییرات اساسی در ادبیات امنیت جهانی، ضمن مطرح ساختن نوعی نگاه انتقادی نسبت به نظم موجود و طرح مسائل جدید مبنی بر ضرورت و لزوم تغییر در ساختار نظام بین الملل، دیدگاهی جدید را برای شکل بندی نظم نوین جهانی مطرح ساخت. در این راستا جمهوری اسلامی ایران و هند به عنوان یک قدرت نوظهور، خواستار بازنگری و ساماندهی جدید معادلات امنیت جهانی و ساختارهای امنیتی بین المللی شدند. علاوه بر آن، هر دو کشور به نوعی مخالفت خود را با شکل گیری جهان تک قطبی اعلام کردند. با این استدلال که آنچه از دوران گذشته باقی مانده است میراث دوران نظم سنتی و قدیمی و شرایط پس از جنگ جهانی دوم و نظام دو قطبی است و پدیده ها و ضرورت های امنیتی هزاره سوم، نظم خاص خود را طلب می کند. (احمدی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۱)

۲-۶-۴- همکاری های اقتصادی: حوزه های انرژی، ترانزیت و فناوری

به رغم آنکه هند به دلیل روابط خود با تهران از سوی متحدان غربی خویش تحت فشار قرار گرفته است، اما دهلی نو روابط خود با تهران را نه تنها بر پایه توافق های مربوط به انرژی بلکه به عنوان حمایت کننده ابعاد رشد جهانی خود می نگرد. از سوی دیگر یکی از شاخص های قدرت هژمون در هر عصری، کنترل منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی است. این موضوع در چهارچوب منافع و امنیت ملی هر دو کشور ایران و هند قابل تفسیر است. با توجه به در اختیار داشتن سومین ذخایر عظیم نفت و دومین ذخایر ثابت شده گاز جهان در ایران از یک سو و قدرت اقتصادی هند به ویژه در فناوری هوا و فضا و جهش علمی آن در عرصه فناوری اطلاعات به گونه

ای که حجم صادرات نرم افزار آن کشور سالانه رقمی حدود ۲۵ میلیارد دلار را تشکیل می دهد، روند روز افزون نیاز هند به منابع انرژی جدید را مطرح می سازد. (سریع القلم، ۱۳۸۹: ۷۹ به نقل از احمدی فشارکی ۱۳۹۰)

در این رابطه طرح خط لوله صلح، ظرفیت های لازم را برای توسعه روابط دو کشور فراهم ساخته است. در این مسیر، ایران نگران استخراج هیدروکربن خود و ارسال آن به بازارهای جدید است؛ توسعه سریع اقتصاد هند در دهه اخیر همچنین رشد جمعیت و افزایش استانداردهای زندگی، روند افزایشی نیاز هند به انرژی را به دنبال دارد. میزان مصرف انرژی هند در سال ۲۰۱۵ رقمی معادل ۱۱۵ هزار مگاوات است و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۱۵ به رقمی معادل ۲۵۰ هزار مگاوات برسد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۱۷ به نقل از احمدی فشارکی ۱۳۹۰)

در حال حاضر ترکیبی از جهت گیری های خاص بر سیاست خارجی هند حاکم است که در این جهت گیری ها اگر هند ناچار به انتخاب بین دو گزینه ویژه باشد، طبیعی است که ملاحظات کشورهای بزرگ و برتر را نسبت به ایران در نظر خواهد گرفت.

۵- بررسی روابط فرهنگی ایران و هند

روابط، تعاملات و اشتراکات فرهنگی ایران و هند، به بیش از سه هزار سال قبل و مهاجرت آریایی ها باز می گردد. گواه این امر، در عصر باستان نیز؛ مشترکات اسطوره ای فی ما بین است. روابط ایران و شبه قاره هند، قبل از اسلام، بر اساس نژاد مشترک، زبان مشترک و آداب و رسوم مشترک بوده است. ایران و شبه قاره هند، از طریق زبان پارسی دری همان رابطه ای را ایجاد کردند که قبل از اسلام با زبان پهلوی، اوستایی و سانسکریت ایجاد کرده بودند (برازش، ۱۳۸۷: ۱۷) بدون تردید می توان گفت که ، در زمان هخامنشیان ، ایران و هند با هم روابط فرهنگی و اقتصادی داشته اند و این مناسبات سبب داد و ستدهای فرهنگی این دو کشور کهن سال گردیده است (مدرسی، ۱۳۸۳: ۱۴)

یکی دیگر از مشترکات دو فرهنگ هندی و ایرانی ، زبان می باشد با پدید آمدن ارتباطات بین مسلمانان و بومیان هندوستان، زبان های مردم ساکن این سرزمین دستخوش زبان های عربی و فارسی قرار گرفت. یکی دیگر از موارد مشترک فرهنگی این دو کشور زبان سانسکریت است که بسیاری از کتب و داستانهای هندی به زبان عربی و سپس فارسی یا بطور مستقیم به فارسی ترجمه شده اند (اصغری، ۱۳۹۳)

از آنجا که روابط فرهنگی مردمان از آغاز بر پایه مرادفات گوناگون تا پیش از برآمدن حکومت‌ها استوار بوده و فرایندهای بازرگانی و سیاسی به کاهش یا افزایش روابط می‌انجامیده است، چاره آن است که ارتباطات زمینی، زمانی، زبانی و دینی را مورد توجه قرار داد؛ لذا در این متن فرهنگی نمی‌توان مهاجرت دیرینه ایرانیان و هندیان از شمال به جنوب (از سیبری تا آسیای مرکزی)؛ روابط سه‌هزار سال پیش از میلاد، تمدن ایران از سیلک در کاشان، استخر در پارس و شهر سوخته در سیستان با تمدن‌های موهنجودارو و هرپا در هند و کشف آثار گوناگون از جمله سفال‌های زردگون جنوب و سرخ‌فام شمال ایران در مناطق گوناگون هند و آسیای مرکزی؛ گذر از راه مشترک جاده ابریشم و بهره‌گیری هر دو از جاده بخور؛ همجواری سرزمینی ایران و هند (پیش از تجزیه‌های اخیر) و حاکمیت آشکار انگلیس در هند و پنهان آن در ایران تا دوره پهلوی را فراموش نمود. به هر حال نویسنده ضمن مروری کلی بر اطلاعاتی پایه درباره هند، گذری کوتاه بر تصویری کلی و فشرده از تاریخ باستان، میانه و هند استعمارشده افکنده و در ادامه نگاهی اجمالی به تعاملات زبانی، ادبی و علمی و نقش فرهیختگان ایرانی و اسلام بر ادبیات هند انداخته و سپس نقش انگلستان در استعمار هند و تأثیر آن بر تخریب چهره فرهنگی ایران را مورد مذاقه قرار داده است. در پایان نیز فرهنگ مدرن هندوستان و مبادلات فرهنگی دو کشور ایران و هند با تأکید بر روابط فرهنگی دو کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. (ثاقب، ۱۳۹۲: ۱۷۹)

۶- نتیجه

در جمع بندی کلی یافته های تحقیق، با توجه به موقعیت ویژه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و ظرفیت های خاص اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی و جایگاه این کشور در معادلات منطقه ای، کارشناسان بر این باورند که جمهوری اسلامی ایران می تواند نقشی استراتژیک در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین الملل و اقتصاد سیاسی تجارت و ترانزیت انرژی در منطقه و نیز جهان ایفا کند.

از سوی دیگر حضور هدفمند، منطقی و فعالانه ایران در سازوکار پیمان شانگهای و عبور از وضعیت ناظر در این پیمان و تلاش برای ارتقای سطح عضویت و ورود به آن سازمان به عنوان عضو رسمی این پیمان سیاسی، اقتصادی و امنیتی و در کنار آن توسعه همکاری های همه جانبه با اعضای پیمان شانگهای می تواند زیربنای اولیه برای توسعه همکاری و همگرایی منطقه ای و زیر ساخت های اولیه شکل گیری جامعه امن از نوع جوامع امن کثرت گرا را فراهم سازد؛ اگرچه در

این فرایند مسائل و موضوعاتی همچون تحریم ها، سیاست آمریکا در راستای محصور سازی ایران و همچنین روابط رسمی و رو به افزایش هند با آمریکا و اسرائیل و نفوذ لابی های قدرتمند صهیونیسم در هند ، در کنار برخی نقاط ضعف دستگاه دیپلماسی ایران، از موانع اصلی این روند محسوب می شوند؛ با این وجود موضوع انرژی و همکاری های امنیتی و مقابله با تروریسم بین المللی پتانسیل های لازم برای تداوم و تعمق همکاری ها را در اختیار دو طرف قرار می دهد.

منابع

- ۱- احمدی فشارکی، حسنعلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه های تعامل و تقابل، فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰.
- ۲- اصغری، نقی، بررسی روابط فرهنگی و سیاسی ایران و هند، سایت علمی تحلیلی و اجتماعی
- ۳- ظفرمند، ۱۳۹۳. قابل دسترسی در سایت www.zafarmand.ir
- ۴- برازش، امیرحسین، روابط و تعاملات فرهنگی ایران و هند در عهد صفویه؛ آرایه شده در پرتال انسان شناسی و فرهنگ، صص ۳۷-۱۷، ۱۳۸۷.
- ۵- توحیدی، زهرا، «استراتژی انرژی هند و جایگاه ایران»، اقتصاد انرژی، شماره ۸۷، ۱۳۸۵.
- ۶- توحیدی، ام البنین، رویکرد نوین سیاست خارجی هند، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی، پژوهشنامه قدرت های آسیایی، شماره ۱۳، صص ۲۱-۳۸، ۱۳۸۶.
- ۷- ثاقب، حسن، «بررسی عملکرد تجاری ایران با هند»، از کتاب آسیا (۸) [ویژه روابط ایران و هند]، گردآوری و تدوین حسین عسگریان، تهران: موسسه ابرار معاصر، صص ۲۰۴-۱۷۹، ۱۳۹۲.
- ۸- جیمز فالتز گراف، ر. نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید یزرگی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۰.
- ۹- خلیلی، رضا، ایران و هند؛ چهارچوبی برای درک روابط در حال توسعه، ۱۳۹۲.
- ۱۰- زاهدی موحدی، م. «تاثیر حوادث بمبئی بر سیاست خارجی هند در منطقه»، ماهنامه رویدادها و تحلیل ها، تهران: وزارت امور خارجه، شماره ۲۲۸، صص ۶۹-۷۲، ۱۳۸۶.
- ۱۱- سریع القلم، م. «اصول ثابت تولید ثروت ملی»، مجموعه مقالات همایش سیاست خارجی توسعه گرا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۹۳-۷۹، ۱۳۹۰.
- ۱۲- شریعتی نیا، محسن، روابط ایران و هند: واکاوی نگاه هندی، از کتاب آسیا (۸) [ویژه روابط ایران و هند]، گردآوری و تدوین حسین عسگریان، تهران: موسسه ابرار معاصر، صص ۷۲-۵۵، ۱۳۹۲.
- ۱۳- شیهان، م. امنیت بین الملل، ترجمه دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
- ۱۴- ظهیری نژاد، مهناز، نقش اسلام در سیاست خارجی ایران در روابط با هند، ۱۳۹۲.

- ۱۵- عسگریان، حسین، هند و پرونده هسته‌ای ایران، از کتاب آسیا (۸) [ویژه روابط ایران و هند]، گردآوری و تدوین حسین عسگریان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر، صص ۱۰۴-۷۳، ۱۳۹۲
- ۱۶- کاظمی، ع.الف، نظریه همگرایی در روابط بین الملل، تهران: نشر قومس، ۱۳۹۰
- کیسینجر، ه. دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۰، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱
- لینکلتر، الف، جامعه و همکاری در روابط بین الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴.
- مدرسی، فاطمه، پیوند زبان فارسی و هند در آینه زمان، نامه فرهنگستان ۱/۳، صص ۱۱۳-۱۲۳، ۱۳۸۳.
- ملازهی، پیرمحمد، مناسبات هند و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر سیاست هند در قبال ایران، از کتاب آسیا (۸) [ویژه روابط ایران و هند]، گردآوری و تدوین حسین عسگریان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر، صص ۱۶۰-۱۳۱، ۱۳۹۲.

20-Blechman, B. **Pakistan and Israel**, Washington, DC. Stimson Center. 2009

21-Ginat, R. **India and the Palestine Question : The Emergence of the Asia -Arab block and india** .in the Quest for Hegemony in the post -colonial Third World, 2010

22-Huntington, S.P. **Clash of Civilization**, Foreign Affairs. Summer .Vol 72.No3. 2013.

23- Schaffer, T. C. and Pramit, M, **India as a Global Power?** Deutsche Bank AG, DB Research, Frankfurt am Main Germany, December 16, 2005. available on: www.dbresearch.com, ISSN Internet and e-mail: 1612-3158, Pp:1-16.